

کیمیا‌سان

«اگر به کتابهایی که درباره فاطمه زهرا(س) به‌وسیله محدثین اهل سنت نوشته شده است، نگاه کنید، روایات بسیاری را می‌بینید که از زبان پیغمبر(صلی‌الله‌علیه‌وآله) در سستانش صدیقه طاهره(س) صادر شده است و با رفتار پیغمبر با آن بزرگوار را نقل می‌کنند.»(۱۳۷۳/۰۹/۰۳)

صفات الگو بخش زهرا(س)

«فاطمه زهرا(س) صدیقه کبراست در میان صدیقین و صدیقات، کبرا یعنی بزرگترین صدیقه است این بزرگوار.

شخصیت فاطمه زهرا(س) در بیان رهبر انقلاب

حالا می خواهیم از ایشان درس بگیریم؛ زنها هم درس بگیرند، مردها هم درس بگیرند؛ همه -عالم و جاهل- درس بگیرند. ببینیم درباره این بزرگوار در کلمات ائمه معصومین، آنچه ذکر می‌شود از مدایح، چه چیزهایی است.

در زیارت امام رضا(ع) وقتی نوبت به حضرت زهرا می‌رسد برای صلوات -آن زیارتی که سر تا پا صلوات است- آمیگوید: **اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰی فَاطِمَةَ بِنْتِ نَبِیکَ؛** این یک خصوصیت. این خصوصیت خیلی مهمی است؛ البته قابل تأشی نیست؛ همه دختر پیغمبر نمی‌شوند؛ اما انتساب به پیغمبر به‌صورت دختر او، نشان دهنده رفعت مقام است. **وَ زَوْجَةُ وَلَیکَ**، این هم دومی؛ البته این هم قابل دستگیری نیست و همه نمی‌توانند زوجه ولی خدا بشوند؛ اما رفعت مقام، رفعت شأن و جاه و جلال این بزرگوار را نشان می- دهد. **وَ اَمَّ السَّبطِینَ الحَسَنَ وَ الحُسَینَ سَیدَی شِبابِ اَهلِ الجَنَّةِ**، جنبه کاربردی این اخصوصیت؛ بیشتر از آن دو صفت قبلی است؛ جنبه کاربردی تربیت سبطین. سبطینی که «سَیدَی شِبابِ اَهلِ الجَنَّةِ» هستند، مادرشان این بزرگوار است؛ دامان پاکیزه این مادر است که توانسته اینها را تربیت بکند. این آن چیزی است که می‌تواند برای ما به‌عنوان الگو، به‌عنوان اسوه مطرح بشود.

بعد، **«الْمَظْهَرَةُ الطَّاهِرَةُ الرَّفِیَّةُ النَّقِیَّةُ الطَّاهِرَةُ الرَّحِیْمَةُ الرَّحِیْمَةُ»** که همه اینها کاربردی است؛ طهارت، با سه بیان که البته این سه بیان «طهر»، «طاهر» و «مطهر» تفاوت‌هایی از لحاظ معنا با هم دارند. [هر] سه تعبیر اشاره به طهارت و پاکیزگی است: طهارت روح، طهارت دل، طهارت مغز، طهارت دامان، طهارت سرتاسر زندگی. این کاربردی است، این برای ما درس است؛ باید سعی کنیم خودمان را پاکیزه کنیم، باید خودمان را تطهیر کنیم؛ بدون طهارت باطن نمی‌شود به مقامات رسید؛ به حریم ولایت این بزرگوارها هم نمیشود رسید؛ طهارت باطن لازم است. طهارت باطن، با تقوا است، با ورع است، با ملاحظه است؛ ملاحظه دائمی و مراقبت دائمی از خود طهارت به‌وجود می‌آورد. البته انسان جایزالخطا است و ممکن است بر ما سیاهی‌هایی عارض بشود اما راه پاک کردن آن سیاهی‌ها را هم خدا به ما نشان داده. یاد داده: توبه، استغفار. استغفار کنیم؛ استغفار، یعنی

عذرخواهی کردن؛ «استغفر الله». یعنی خدا یا عذر می‌خواهم، معذرت می‌خواهم. واقعاً، قلباً از ته دل از خدای متعال معذرت بخواهیم؛ این استغفار است، این آن سیاهی را و آن لکه را پاک می‌کند.الطَّهْرَةُ الظَّاهِرَةُ الْمَظْهَرَةُ. النَّقِیَّةُ، همان تقوا؛ النَّقِیَّة، تفاوت و پاکیزگی باطنی و قلبی؛ اینها خصوصیات فاطمه زهرا(س) است. ما اینها را بایستی به‌عنوان الگو در نظر داشته باشیم و خودمان را به آن نزدیک کنیم.»(۱۳۹۵/ ۱/۱۱)

معارفMaarefkayhan@Kayhan.irفاطمه(س) مثل یک فرشته نجات برای پیغمبر؛ مثل مادری برای پدر خود؛ مثل پرستار بزرگی برای آن انسان بزرگ، مشکلات را تحمل کرد. غمگسار پیغمبر شد، بارها را بر دوش گرفت عبادت خدا را کرد، ایمان خود را تقویت کرد، خودسازی کرد و راه معرفت و نور الهی را به قلب خود باز کرد. اینهاست آن ویژگی‌هایی که آدمی را به کمال می‌رساند.

شد، بارها را بر دوش گرفت، عبادت خدا را کرد، ایمان خود را تقویت کرد، خودسازی کرد و راه معرفت و نور الهی را به قلب خود باز کرد. اینهاست آن ویژگیهایی که آدمی را به کمال می‌رساند.»(۱۳۷۱/۰۹/۲۵)



تولای فاطمه زهرا مایه افتخار و سرفرازی

«عممت بزرگی است تولای فاطمه زهرا و صدیقه کبری(س) برای ما. خدا را شکر که او را شناختیم؛ خدا را شکر که خودمان را به ذیل عنایت او متوسل کردیم و خدا را شکر که نعمت وجود او را قدر دانستیم، به او توسل جستیم، از او معرفت خواستیم، به او محبت ورزیدیم. اینها نعمتهای بزرگ خداست.»(۱۳۸۶/۰۴/۱۴)

غمگسار پیامبر در شعب ابی طالب

«دختری که در دوره گداخته مبارزات سخت پیغمبر در مکه متولد شد و در شعب ابی‌طالب یار و غمگسار پدر بود، دختری حدوداً هفت، هشت ساله یا دو، سه ساله- بنابر اختلاف روایات، کمتر و بیشتر- در شرایطی که خدیجه و ابوطالب از

دنیا رفتند، آن شرایط دشوار را تحمل کرد. پیغمبر تنهاست، بی‌غمگسار است، همه به او پناه می‌آورند؛ ولی کیست که غبار غم را از چهره خود او بزداید؟ یک‌وقت خدیجه بود، که حالا نیست. ابوطالب بود، که حالا نیست. در چنین شرایط دشواری، در عین آن گرسنگی‌ها و تشنگی‌ها و سرما و گرمای دوران سه‌ساله شعب ابی‌طالب که از دورانهای سخت زندگی پیغمبر است و آن حضرت در درهای با همه مسلمانان معدود، در

بعد از قضیه وفات پیامبر، آمدن به مسجد و آن خطبه عجیب را خواندن، خیلی شگفت‌انگیز است! اصلاً امثال ما که اهل سخنرانی و حرف زدن ارتجالی هستیم، می‌فهمیم که چقدر این سخنان عظیم است. یک دختر هجده ساله، بیست ساله و حداکثر بیست‌و چهار ساله، آن هم با آن مصیبت‌ها و سختی‌ها به مسجد می‌آید، در مقابل انبوه جمعیت، با حجاب سخنرانی می‌کند که آن سخنرانی، کلمه به کلمه‌اش در تاریخ می‌ماند.»

بعد از قضیه وفات پیامبر، آمدن به مسجد و آن خطبه عجیب را خواندن، خیلی شگفت‌انگیز است! اصلاً امثال ما که اهل سخنرانی و حرف زدن ارتجالی هستیم، می‌فهمیم که چقدر این سخنان عظیم است. یک دختر هجده ساله، بیست ساله و حداکثر بیست‌و چهار ساله، آن هم با آن مصیبت‌ها و سختی‌ها به مسجد می‌آید، در مقابل انبوه جمعیت، با حجاب سخنرانی می‌کند که آن سخنرانی، کلمه به کلمه‌اش در تاریخ می‌ماند.

«بعد هم که به مدینه هجرت کرد، همسر مردی شد که تمام زندگی اش جهاد فی‌سبیل‌الله بود و در تمام قریب به یازده سال زندگی مشترک فاطمه زهرا و امیرالمؤمنین(علیهما‌السلام)، هیچ سالی، بلکه

بررسی چستی قرب فرائض و قرب نوافل

نقش مستحبات در کمال‌یابی انسان

اصل مقام عبودیت و بندگی با واجبات تحقق می‌یابد و انسان در وهله اول با انجام وظایف واجب به خدا نزدیک می‌شود، اما انجام واجبات به تنهایی برای رسیدن به نهایت کمال و قرب الهی کافی نمی‌باشد، انجام واجبات شرط لازم برای عبادت حداقلی است و شرط کفایت برای عبادت حداکثری، انجام مستحبات است. انسان با انجام واجبات و ترک محرمات به کمال و قرب الهی دست پیدا می‌کند، ولی در رجات بالاتری از قرب و کمال وجود دارد که تنها با مستحبات امکان وصول دارد.

و با عقلانیت و استدلال عقلی و دینی طی می‌شود، ولی مرحله قرب نوافل، مربوط به وادی عشق و قلب است و البته مرحله عشق و قلب بسی فراتر و نهایی‌تر از مرحله عقل و وظیفه می‌باشد.

نوافل، مکمل فرائض

انسان به وسیله نوافل و مستحبات به اوج در کمال و قرب الهی می‌رسد، ولی این ظرفیت هنگامی در ساخت انسان و تعالی او مؤثر می‌افتد که شخص سالک، نسبت به تحصیل تقوا و انجام واجبات به اطمینان رسیده باشد؛ زیرا مرتبه نافله پس از واجب است و بدون تقوا، ورع حاصل نمی‌شود. نوافل و مستحبات از یک نظر مکمل و متمم فرائض است و از نظر دیگر متمم و مکمل انسان در مسیر الهی‌الله است، به این حقیقت درخصوص نوافل یومیه با صراحت در برخی روایات اشاره شده است. این بدان معنی است که اصل در عبادت، فرائض و حقیقت عبودیت در انجام واجبات است و نوافل و مستحبات برای تکمیل نوافقی پیش می‌آید، آن هم برای هر کسی متناسب با منزلت

زن و شوهر معصوم و شهید

تنها زن و شوهری که با هم معصومند، امیرالمؤمنین و فاطمه زهرا (علیهما‌السلام)بودند. حتی پیغمبر ما خودش معصوم بود، خدیجه، خیلی بزرگوار است، اما معصوم نبود. تنها زن و شوهری که هر دو معصوم هستند، هر دو شهید هستند، حق هر دو غصب شد، قبر هر دو مجهول است.این دو بزرگوار هستند.

قبر هر دو مخفیانه بود، قبر فاطمه زهرا که هنوز هم معلوم نیست، امیرالمؤمنین هم تا صد سال قبرش مخفی بود، بعد از صد سال روشن شد قبرش کجاست.

پس، از نظر عصمت، شهادت، غصب شدن حق، مخفی بودن قبر، مقام شفاعت و شهادت و در خیلی چیزها، در بسیاری از چیزها اگر نتوییم همه چیز، فاطمه زهرا و امیرالمؤمنین(ع) همتای هم بودند.

حیای فوق‌العاده

حیا و حجاب فاطمه زهرا(س) چنان بود که نگران بود پس از مرگ

معارف

هیچ نیم سالی نگذشت که این شوهر، کمر به جهاد فی‌سبیل‌الله نبسته و به میدان جنگ نرفته باشد و این زن بزرگ و فداکار، همسری شایسته یک مرد مجاهد و یک سرباز و سردار دائمی میدان جنگ را نکرده باشد.»(۱۳۶۸/۱۰/۲۶)

سخنرانی بی‌نظیر
« بعد از قضیه وفات پیامبر، آمدن به مسجد و آن خطبه عجیب را خواندن، خیلی شگفت‌انگیز است! اصلاً امثال ما که اهل سخنرانی و حرف زدن ارتجالی هستیم، می‌فهمیم که چقدر این سخنان عظیم است. یک دختر هجده ساله، بیست ساله و حداکثر بیست‌و چهار ساله- که البته سن دقیق آن حضرت مسلم نیست؛ چون تاریخ ولادت آن بزرگوار مسلم نیست و در آن اختلاف است- آن هم با آن مصیبت‌ها و سختیها، به مسجد می‌آید، در مقابل انبوه جمعیت، با حجاب سخنرانی می‌کند که آن سخنرانی، کلمه به کلمه‌اش در تاریخ می‌ماند.»(۱۳۷۷/۰۲/۰۷)

سخن گفتن فرشتگان با حضرت زهرا
«از امام صادق(ع) روایت شده است که فرمود: «ان فاطمه کانت محدثه»، آن بزرگوار «محدثه» بود. یعنی فرشتگان بر او فرود می‌آمدند، با او مانوس می‌شدند و با او سخن می‌گفتند. این، مشخصه‌ای است که روایات متعددی درباره آن وجود دارد. «محدثه» بودن مخصوص شیعه هم نیست، شیعه و سنی معتقدند که در دوران اسلام، کسانی بوده‌اند یا می‌توانسته‌اند وجود داشته باشند که فرشتگان با آنها سخن بگویند. مصداق این در روایات ما، فاطمه زهراست.»(۱۳۷۱/۰۹/۲۵)

مضمون «صحیفه فاطمه»
«در روایتی از امیرالمؤمنین(ع)، نقل شده است که فاطمه زهرا(س)به ایشان می‌گوید: «ملائکه می‌آیند و مطالبی را به من می‌گویند.» امیرالمؤمنین به ایشان می‌گوید: «وقتی صدای ملک را شنیدی، به من بگو تا آنچه را می‌شنوی بنویسم.» و امیرالمؤمنین، آنچه را که ملائکه به فاطمه زهرا(س)املا می‌کردند نوشت و این، کتابی شد که در نزد ائمه ما(ع) بود و هست و «مصحف فاطمه» یا «صحیفه فاطمه» نامیده می‌شود.

در روایات متعددی است که ائمه(ع)برای مسائل گوناگون خود، به «مصحف فاطمه» رجوع می‌کردند. بعد امام می‌فرماید: «انه لیس فیها حلال و حرام؛ در این کتاب، احکام حلال و حرام نیست. اما «فیها علم ما یكون»؛ بلکه همه حوادث جاری بشری در دورانه‌ای آینده، در این کتاب هست. این، چه دانش والایی است!این، چه معرفت و حکمت بی‌نظیری است که خدای متعال به یک زن در سنین جوانی بخشیده! این، مربوط به مسائل معنوی است.»(۱۳۷۱/۰۹/۲۵)

درس‌های زندگی حضرت زهرا
«عزیزان من، جوانان عزیزا! امروز در دوران جمهوری اسلامی این فرصت برای احاد جامعه هست که درست حرکت کنند، درست زندگی کنند، سمنانه زندگی کنند، با عفت زندگی کنند. درس زندگی صدیقه طاهره، فاطمه زهرا(س) این است برای ما: تلاش، اجتهاد، کوشش، پاک زندگی کردن؛ همچنانکه آن بزرگوار یکپارچه معنویت و نور و صفا بود: الطَّهْرَةُ الطَّاهِرَةُ الْمَظْهَرَةُ النَّقِیَّةُ الرَّفِیَّةُ الرَّحِیْمَةُ الْاَزْکٰیةُ؛ پاکي و آراستگی و تقوا و نورانیت آن بزرگوار، همان چیزی است که در طول تاریخ تشییع بر معارف ما سایه‌افکن بوده است.»(۱۳۹۲/۱۰/۲۱)

به کوشش: کامران پورعباس

متعال می‌فرماید: در آغاز و انجام روز و ساعتی از شب نماز بگذرا، زیرا نیکی‌ها، بدی‌ها را از میان می‌برد(هود: ۱۱۴) و در حدیث آمده است: که نماز مؤمن در شب گناهان روز او را از بین می‌برد.(جامع احادیث‌الشیعه، ج ۷، ص ۱۰۷) و در بعضی نقل‌ها آمده است: نماز وئر گناهان را از بین می‌برد.(همان، صص ۱۰۷، ۱۰۸، ۲. نوافص و کمبودهایی را که بر اثر غفلت یا قصور در واجبات رخ داده است، جبران می‌کند. مثلاً نوافل یومیه خصوصاً نوافل شب نوافص نمازهای یومیه را مرتفع می‌سازد، روزهمای مستحبتی نوافص روزهمای ساء رمضان را برطرف می‌کند، عیصت مستحَب کمبودهای واجبات مالی از قبیل زکات و خمس را رفع می‌نماید. و. احتمال دارد که اعمال مستحَب مطلقاً در رفع نوافص کلیه فرائض و واجبات مؤثر باشد. در این مورد به چند حدیث اشاره می‌شود. از امام باقر(ع) نقل شده است که فرمود: اِنَّمَا جُعِلَتْ نوافص و کمبودهایی را که بر اثر غفلت یا قصور در واجبات رخ داده است، جبران می‌کند. مثلاً نوافل یومیه خصوصاً نوافل شب نوافص نمازهای یومیه را مرتفع می‌سازد، روزهمای مستحبتی نوافص روزهمای ساء رمضان را برطرف می‌کند، عیصت مستحَب کمبودهای واجبات مالی از قبیل زکات و خمس را رفع می‌نماید. و. احتمال دارد که اعمال مستحَب مطلقاً در رفع نوافص کلیه فرائض و واجبات مؤثر باشد. در این مورد به چند حدیث اشاره می‌شود. از امام باقر(ع) نقل شده است که فرمود: اِنَّمَا جُعِلَتْ

انسان به وسیله نوافل و مستحبات به اوج در کمال و قرب الهی می‌رسد، ولی این ظرفیت هنگامی در ساخت انسان و تعالی او مؤثر می‌افتد که شخص سالک، نسبت به تحصیل تقصوا و انجام واجبات به اطمینان رسیده باشد: نوافل و مستحبات از یک نظر مکمل و متمم فرائض است و قرب الهی، کمال و قرب الهی می‌رسد، ولی این ظرفیت هنگامی در ساخت انسان و تعالی او مؤثر می‌افتد که شخص سالک، نسبت به تحصیل تقوا و انجام واجبات به اطمینان رسیده باشد؛ زیرا مرتبه نافله پس از واجب است و بدون تقوا، ورع حاصل نمی‌شود. نوافل و مستحبات از یک نظر مکمل و متمم فرائض است و از نظر دیگر متمم و مکمل انسان در مسیر الهی‌الله است، به این حقیقت درخصوص نوافل یومیه با صراحت در برخی روایات اشاره شده است. این بدان معنی است که اصل در عبادت، فرائض و حقیقت عبودیت در انجام واجبات است و نوافل و مستحبات برای تکمیل نوافقی پیش می‌آید، آن هم برای هر کسی متناسب با منزلت

تدریج به دست می‌آید.

آثار تقید به مستحبات

التزام و استمرار بر نوافل و مستحبات سه اثر مهم دارد:

۱. گناهان انسان را محو می‌کند، چنانکه خداوند

هنگام تشییع جنازه اش بدنش پیدا باشد، گفت که من از دنیا می‌روم، بدن من را می‌گذارند روی تابوت، بدنم پیداست. او از این بابت نگران بود. یک نفر از اصحاب آمد گفت من در منطقه حبشه بودم، تابوت تخته صاف نبود،بلکه تخت‌هایی بود که یک دیواره‌های کوچکی هم داشت، -امیرالمؤمنین ع- به حضرت زهرا فرمود: بدن تو را در تابوتی می‌گذارم که دیوار دارد و برجستگی‌های بدن تو را مردهد نمی‌بینند، زهرا(س) آنوقت خوشحال شد.

برخی‌ها عشق به اهل بیت(ع) دارند ولی نام بی‌چاش را حسن، فاطمه و یا زهرا نمی‌گذارند. ایمان که داری. در دلت اعتقاد به امیرالمؤمنین(ع) داری. اسم بی‌چهارت را علی بگذار. نگو خواهرم فاطمه دارم، برادرم مهدی دارم. خب خواهرت و بی‌چخال دارم، برادرت هم موبایل دارد. چرا آنجا نمی‌گویی برادرم دارم من نمی‌خواهم.

حجت‌الاسلام قرائتی

چراغ راه

جایگاه و مقام فاطمه(س) و فرزنداناش

قال النبی(ص): «فاطمه بیجة قلبی و ابناها ثمره فؤادی، و بعلمها نور بصری، والائمة من ولدها امامتی و الحبل الممدود، فمن اعصم بهم فقد نجا و من تخلف عنهم فقد هوی.»

پیامبر اکرم(ص) فرمود: فاطمه(س) مایه سرور و شادی دل من است، و فرزنداناش میوه قلبم می‌باشند و همسرش نور دیده من است، و امامان معصوم از فرزنداناش امانت من می‌باشند، و ایشان چون رسمانی محکم از جانب خدا به سوی خلق خدا کشیده شده‌اند، هرکس به آنان چنگ بزند و متوسل شود، نجات می‌یابد، و هر کس از آنها تخلف و دوری نماید هلاک می‌گردد.^(۱)

۱- بحارالانوار، ج ۲۳، ص ۱۴۳، ح ۹۵

حکایت خوبان



شیعیان واقعی تبعیت رفتاری از اهل بیت (ع) دارند

یک مردی به همسر خود گفت: خدمت حضرت فاطمه زهرا(س) دخت گرامی رسول خدا برو و درباره من از آن حضرت بپرس: آیا من از شیعیان شما هستم. حضرت فاطمه(س) در پاسخ فرمودند: اگر به آنچه که ما اهل بیت دستور داده‌ایم عمل کنی، و از آنچه که نهی کرده‌ایم، خودداری نمایی، در این صورت تو از شیعیان (واقعی) ما هستی. در غیر این صورت شیعه نیستی (اگر ادعا کنی محب هستی).^(۱)

۱- بحارالانوار، ج ۶۵، ص ۱۵۵

پرسش و پاسخ؟

خصائص فاطمی (۱)

پرسش:

حضرت فاطمه(س) به عنوان مادر امامان معصوم(ع) از چه ویژگی‌ها و خصائصی برخوردار بودند، لطفاً آنها را بیان کنید؟ پاسخ:

حضرت فاطمه(س) به عنوان مادر امامان معصوم(ع) صدوسی ویژگی و خصیصه داشته‌اند که برخی از آنها مربوط به قبل از ولادت و برخی دیگر از ولادت تا شهادت و در مرحله سوم بعضی از خصائص آن حضرت مربوط به بعد از شهادت می‌باشد. در اینجا به نحو اجمال به برخی از اهم ویژگی‌ها و خصائص فاطمیه قبل از ولادت می‌پردازیم. در کل سی خصیصه قبل از ولادت آن حضرت در کتبه و لقب و اسم مبارک فاطمه(س) مطرح شده است که به اهم آنها پرداخته خواهد شد.

۱-ام‌العلوم

این کتبه مبارک حضرت فاطمه(س) حکایت از کثرت و زیادی علوم آن حضرت می‌کند و دلالت بر احاطه و تبحر آن حضرت به تمام علوم عقلیه و نقلیه دارد. در حدیث «عیون المعجزات» آمده است که حضرت زهرا(س) به امام علی(ع) عرض کرد:اگر بخواهم از علوم اولین و آخرین تو را خبر می‌دهم.

۲-ام‌الفضائل

این کتبه شریفه از کتبه سابقه جامع‌تر است. زیرا علم و دانش یک فضیلتی از فضائل نفسانیسه حضرت فاطمه(س) است و فضائل دیگرش را کسی نتواند احصاء نماید و به شمارش درآورد. فضائل آن بزرگوار گویونه است. فضائل خارجی و فضائل داخلی. آنچه مربوط به خارج است، مانند اصالت و شرافت نسبش که دختر پیامبر ختمی مرتبت و مادرش خدیجه طاهره و همسرش جناب امیرمومنان قطب عالم امکان و اولاد طاهرنش ائمه معصومین(ع) هستند و دیگر ولادت مبارکش در اسلام و ترویجش به روایت فریقین(شیعه و سنی) در آسمان و... می‌باشد.اما از فضائل داخلی آن حضرت، ذات ملکوتی صفات آن مرآت آیات ربانیه است که احصاء و استقصا، آن توان کرد. اعظم فضائل نفسانیه آن حضرت، عصمت و عفت و معارف حقه و حقایق نظریه است که به ملکه تامه تبدیل شده بود.

۳-ام‌الکتاب

در تفاسیر عامه و خاصه «ام‌الکتاب»: از اسمای سوره مبارک که «الحمد» شمرده شده برای اصل کتب قرآن است، و بعید نیست حقیقت فاتحه‌الکتاب حضرت فاطمه زهرا(س) باشد. مرحوم مجلسی می‌نویسد: این بزرگواران را می‌توان به اوصاف و القابی که دوستان می‌دادند در مقام نظام و اکرام بگویند، مگر اینکه منافی باشد با نصوص خاصه ایشان. مثلاً کسی فاطمه زهرا(س) را در زیارت را در مدح و ثناء بخواند: «الایسار، ام‌الاطهار، المظهرین، الملتجیه یا ام‌الانوار جایز است و منافاتی با شخصیت آن حضرت ندارد. بنابراین می‌توان از کتبه‌های مذکوره هزاران قالب از برای حضرت صدیقه طاهره بیان کرد، و اوصاف مختصه‌اش را به قالب لفظ درآورد و خطاب نمود.

۴-ام‌ابوها

یکی از مهم‌ترین کتبه‌های خاصه مأثوره حضرت فاطمه(س) ام‌ابیهاست. امام صادق(ع) می‌فرماید: «ان فاطمه تکتی ام‌ابیها»(مقتل‌الطالیین، ص ۵۷) و در کشف‌اللمعه بدین عبارت آمده است: «ان النبی کان یحبها و یکتبهها بام‌ابیها» همانا پیامبر اکرم(ص) حضرت فاطمه(س) را دوست می‌داشت و کتبه او را ام‌ابیها نامید(ج ۱، ص ۴۶) شکی نیست که ام‌ابیها در معنای حقیقی آن در اینجا مراد نیست، بلکه به طریق مجاز مقصود است. ام در لغت عرب به معنی قصد است، و به فارسی ام اصل هر چیزی را گویند. آنچه کثیرالاستعمال است و غالباً آن را اراده می‌کنند، همان معنی اصل می‌باشد.

ادامه دارد

سلوک عارفانه

فاطمه(س)، لایله‌القدر است

مرحوم آیت‌الله حسن‌زاده می‌نویسد: وقتی راجع به لایله‌القدر مشغول مطالعه بودم همه روایات را جستجو کردم و جمع‌آوری و دسته‌بندی نمودم، اما مطلب برای من به خوبی روشن نشد تا اینکه در نهایت به استادم مرحوم آیت‌الله محمد تقی املی متوسل شدم به ایشان عرض کردم، اقاجان! لایله‌القدر را دریافتیم و برای من معلوم نشد. ایشان فرمودند: در آن روایتی که امام صادق(ع) جدانش فاطمه زهرا(س) را لایله‌القدر خوانده تامل کن! عجباً که ما این همه روایت را جمع‌آوری کردیم به مدت دو سال، اما به این روایت برخورد نکردیم که حضرت فاطمه(س) لایله‌القدر است... رقت، و حدیث را در تفسیر کوفی پیدا کردم که می‌فرماید: «من عرف فاطمه حق معرفتها بعد از آنکه لایله‌القدر» آری انسان کامل قرآن ناطق است و حضرت فاطمه مادر یازده امام معصوم قرآن ناطق است. پس باید بدین مناسبت آن حضرت لایله‌القدر باشد.^(۱)

۱- هزار و یک کلمه، ج ۳، ص ۲۴

صفحه معارف روز‌های: شنبه، یک‌شنبه
سه‌شنبه و پنج‌شنبه منتشر می‌شود
تلفن‌های مستقیم: ۰۲۲۲۱۱۹۹۹۱ - ۰۲۲۲۱۳۵۲
Maarefkayhan@Kayhan.ir